

# تنبیه نکته

مَنْ يُؤْمِنُوا بِالْقُرْآنِ فَلْيَتَدَبَّرُوا هَذِهِ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ:

کسانی که به قرآن ایمان آورده‌اند، در این آیات تدبّر کنند باشد که هدایت یابند:

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ \* بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ \* فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ  
وَالْمَرْجَانُ \* فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ \* فَبِأَيِّ آلاءِ  
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* كُلٌّ مِنْ عِنْدِهَا فَاكِهَةٌ \* وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) [46].

« اوست که دو دریا (ی آب شور و گوارا) را به هم در آمیخت تا به هم برخورد کنند. (۱۹) و میان آن دو دریا برزخ و فاصله‌ای است که تجاوز به حدود یکدیگر نمی‌کنند. (۲۰) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۲۱) از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان گرانبها بیرون آید. (۲۲) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۲۳) و او راست کشتیهای بزرگ بادبان برافراشته مانند کوه که به دریا در گردشند. (۲۴) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۲۵) هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست. (۲۶) و زنده ابدی ذات خدای با جلال و عظمت توست.»

هذه الآيات كافية لإثبات ولاية علي وولده من الأئمة والمهديين :

این آیات برای اثبات ولایت حضرت علی و فرزندان آن حضرت، ائمه و مهدیین (ع) کفایت می‌کند:

أولاً: تأويل البحرين واللؤلؤ والمرجان: إنهم علي وفاطمة عليهما السلام والحسن والحسين عليهما السلام كما قرأنا.

اول: به دلیل تاویل «بحرین»، «لؤلؤ» و «مرجان» به علی و فاطمه (علیهما السلام)، و حسن و حسین (علیهما السلام) همان‌طور که پیشتر خواندیم.

ثانياً: ربما التفتنا إلى إشارة الإمام (ع) التي رواها القمي: (وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ)، قال: كما قالت الخنساء ترثي أخاها صخرًا، ومعلوم وصف الخنساء لأخيها صخر وتشبيهه بالعلم:

دوم: شاید به اشاره‌ی امام(ع) که قمی روایت کرده است توجه کرده باشیم که حضرت در تفسیر «و او راست کشتیهای بزرگ بادبان برافراشته مانند کوه که به دریا در گردشند.» فرمود: «همانند شعری است که خنساء در رثای برادرش صخر خوانده است.» «خنساء»، برادرش «صخر» را توصیف و او را به علم تشبیه می‌نماید:

وَإِنَّ صَخْرًا لَتَأْتِمُ الْهَدَاةَ بِهِ \*\*\* كَأَنَّهُ عِلْمٌ فِي رَأْسِهِ نَارٌ

و البته صخر کسی است که هدایت‌شوندگان به وسیله‌ی او هدایت شوند \*\*\* گویی وی علمی است که بر سر آن آتش افروخته‌اند

أي إنَّ المراد أنَّ هذه الجوار المنشآت في البحر كالأعلام هم رجال وهم الأئمة والمهديون ، والبحر هو علي(ع) وفاطمة عليهما السلام.

یعنی مقصود از این کشتی‌های کوه‌آسا که در دریا ره می‌سپارند، انسان‌ها می‌باشند که همان ائمه و مهدیین(ع) هستند و دریا نیز علی(ع) و فاطمه(س) است.

ثالثاً: الله سبحانه سمى البحرين واللؤلؤ والمرجان والجوار المنشآت في البحر كالأعلام بعد أن فرغ من عددهم مباشرة بأنهم وجه ربك (كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ \* وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلالِ وَالْإِكْرَامِ)، إذن توضح الأمر فهم وجه الله هنا في هذه الآيات ، قال علي بن الحسين (ع): (نحن الوجه الذي يوتي الله منه)([47]).

سوم: خداوند سبحان پس از نام بردن از «بحرین»، «لؤلؤ»، «مرجان» و او راست کشتیهای بزرگ بادبان برافراشته مانند کوه که به دریا در گردشند.» و پس از شماره کردن آنها، بلافاصله می‌گوید که اینها «وجه پروردگار تو» هستند: «هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست. (۲۶) و زنده ابدی ذات خدای با جلال و عظمت توست.»؛ بنابراین آشکار می‌گردد که در اینجا و در این آیات، اینها(ع) وجه خداوند هستند. امام علی بن الحسین(ع) می‌فرماید: «ما هستیم آن وجهی که خداوند با آن شناخته می‌شود»[48].

ومن يعرض عن هذا التأويل فلن يجد إلا الخلط والجهل، ومعنى أنهم وجه الله: أي بهم يعرف الله، فبالوجه الذي يواجهه به يعرف. إذن، فهم خلفاء الله فمن يُعرّف الخلق بالله، ومن يُعلم الخلق التوحيد؟

کسی که از این تأویل روی برگرداند، چیزی جز نادانی و خلط مبحث (مطالب در هم بر هم و بی‌پایه) نخواهد یافت. این که آنها وجه الله هستند به این معنی است که خداوند به وسیله‌ی آنها شناخته می‌شود، زیرا خدا با صورتی که به او روی می‌آورند شناخته می‌گردد. بنابراین آنها خلفای (جانشینان) خداوند هستند؛ در غیر این صورت؛ چه کسی خلق را با خدا آشنا سازد و چه کسی به خلائق توحید بیاموزد؟

هم خلفاء الله، وهذا آدم (ع) أول خلفاء الله في أرضه بدأ مهمته بتعليم الملائكة وتعريفهم بأسماء الله، فأسماءهم هي أسماء الله التي خلقوا منها (قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ) [49].

آنها خلفای الهی‌اند و آدم(ع)، نخستین خلیفه‌ی خدا بر زمینش است که مأموریتش را با آموزش دادن اسمای الهی به فرشتگان آغاز می‌کند. اسمای آنها، همان «اسماء الله» است که از آن خلق شده‌اند: «گفت: ای آدم! آنها را از نام‌ها آگاه کن. چون از آن نام‌ها آگاهشان کرد، خدا گفت: آیا به شما نگفتم که من نهان آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و بر آنچه آشکار می‌کنید و پنهان می‌داشتید، آگاهم؟» [50].

\* \* \*

[46] - الرحمن: 19 - 27.

[47] - القمی: ج 2 ص 323، البرهان: ج 27 مج 7 ص 390.

[48] - قمی: ج 2 ص 323؛ برهان: ج 27 مج 7 ص 390.

[49] - البقرة: 33.

[50] - بقره: 33.